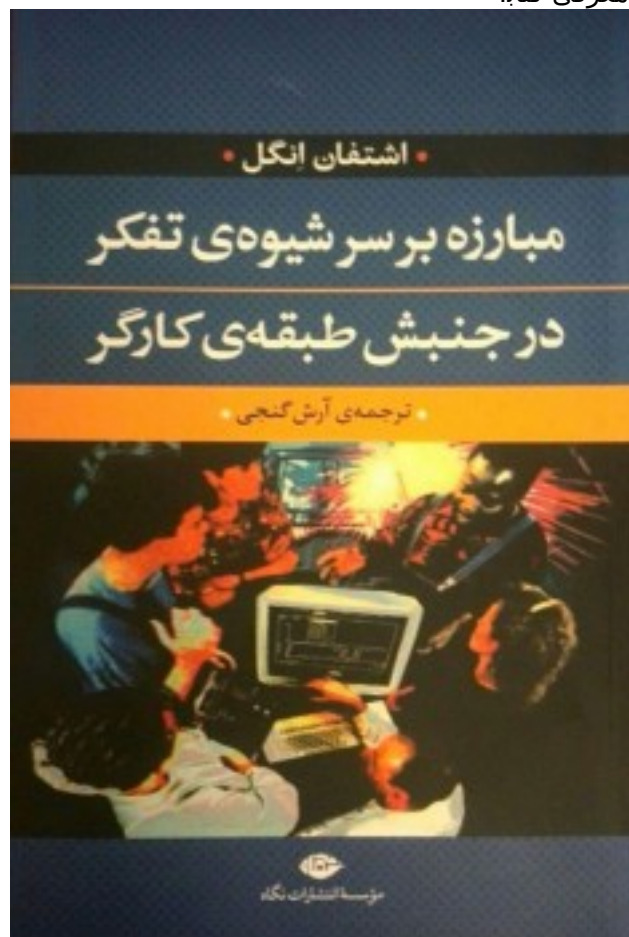


مسئله اصلی در کتاب بارزه بر سر شیوه تفکر در جنبش طبقه کارگر نشان دادن نقش تکامل شیوه تفکر کارگری در میان توده‌هایی است که به آنان توانایی کار عینی نابودی سرمایه‌داری را خواهد داد

معرفی کتاب؛



شاید کمی عجیب به نظر رسد که برای معرفی و مرور کتابی از نقد آن شروع کرد. این نقد البته به شرایط تاریخی نوشتن این کتاب بازمی‌گردد.

اشتفان انگل نویسنده کتاب «مبارزه بر سر شیوه تفکر در جنبش طبقه کارگر» رئیس حزب مارکسیست - لنینیست آلمان در دهه 1990 بوده است. وی از سال 1968 یک فعال سیاسی و از سال 1975 فعالیت عمده‌ای در جنبش طبقه کارگر و مسائل بین‌المللی آن داشته است.

از این جهت کتاب پر است از واژگان و اصطلاحات مارکسیستی-لنینیستی که ممکن است برای خواننده، چندان خوشایند نباشد. فارغ از این اما، کتاب فشرده‌ای از دانش تجربی کسی است که به واسطه آشنایی با زمین واقعی جنبش‌ها و اتحادیه‌های کارگری دنیا (خصوصاً آلمان) نمونه مکتوبی برای کارگران و فعالان دغدغه‌مند این حوزه فراهم کرده است.

آن طور که در ابتدا توضیح داده شده، این کتاب یکی از مجموعه کتاب‌هایی است که از سوی حزب مارکسیست - لنینیست آلمان (MLPD) برای خوددگرگونی این حزب برای صورت‌بندی نوین جنبش‌های بین‌المللی کارگری تهیه شده است.

این دگرگونی به دنبال اتفاقاتی است که شکست سرمایه‌داری بوروکراتیک در اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای اروپای شرقی، جنبش‌های کارگری را در برابر تصمیمی تاریخی قرار می‌دهد: مبارزه یا تسلیم!

در پایان دهه هشتاد میلادی، رسانه‌های جهانی این شکست را چونان پیروزی نهایی سیستم سرمایه‌داری جشن گرفتند. با این همه، «رؤیای پایان بحران عمومی سرمایه‌داری عمر درازی نداشت، فقط مدت کوتاهی پس از آن یعنی از سال 1991 تا 1993، سرمایه‌داری انحصاری - دولتی عمیق‌ترین بحران اقتصادی جهانی را از جنگ جهانی دوم به این سو تجربه کرد» (اشتفان انگل، 1394: 341).

به نظر نویسندگان در پنجمین مرحله بحران عمومی سرمایه‌داری که با فروپاشی شوروی آغاز شد، از طریق انقلاب علمی-فنی و تولید کالاها برای مصرف توده‌ای، پیش‌شرط‌های مادی برای تحقق یک نظم اجتماعی بدون ستم و استثمار، در خود سرمایه‌داری انحصاری - دولتی فراهم شده است.

بر این مینا کوشش اصلی کتاب برای پاسخگویی به پرسش‌هایی است که تغییر شرایط اجتماعی جهانی به وجود آورده است. پرسش‌هایی نظیر اینکه ریشه‌های تضاد آشکار میان تکامل عینی سیستم جهانی سرمایه‌داری و عقب‌ماندگی آگاهی طبقاتی، طبقه کارگر و سایر توده‌های زحمتکش چیست؟ تشتت و پراکندگی حاکم بر جنبش بین‌المللی کارگری از کجا می‌آید؟ (همان: 10).

شاید کلی‌ترین پاسخی که نویسندگان مینای کتابش را نیز بر آن گذاشته، فهم عمیق مبارزه بر سر شیوه تفکر در جنبش کارگری است. در واقع به تعبیر نویسندگان ماهیت مبارزه جاری بر سر شیوه تفکر در جنبش کارگری، مبارزه میان جهان‌بینی پرولتاریایی و بورژوازی است.

در این راستا کتاب به سه بخش کلی تقسیم شده است. بخش اول بطور کلی درباره اهمیت شیوه تفکر در تکامل جامعه بشری است. آگاهی عنصر اصلی تفکر بشری و «نقطه آغاز آرمانی هرگونه فعالیت انسانی است» (همان: 15).

در این بخش بعد از مرور برخی اصول اساسی مارکسیستی همچون اقتصاد سیاسی، مبارزه طبقاتی و ماتریالیسم تاریخی شیوه تفکر در تولید سرمایه‌داری و اهمیت آن در بازتولید کار پدی و کار ذهنی نشان داده می‌شود.

یکی از جالب‌ترین مفاهیم این بخش نشان دادن راه‌حلهایی است که سرمایه‌داری انحصاری-دولتی (به تعبیر نویسندگان انحصارها) برای غلبه بر بحران‌های دوره‌ای به کار می‌گیرد. تولید ناب و همدستی طبقاتی از جمله این راه‌حل‌ها هستند.

از دهه هفتاد میلادی به این سو و «پس از پایان بحران جهانی اضافه تولید، انحصارها در مبارزه برای افزایش بارآوری کار، بر نوسازی فنی اتکا نمی‌کنند، در عوض یورش استثمار هم‌جانبه و افسارگسیخته‌ای را آغاز کرده‌اند».

در واقع در پشت مفهوم فریبنده «شرکای کارفرما»، استثمار نیروی خلاقه کارگران اهمیت دارد. مثلاً در سال 1995 نتایج تحقیقی که یک مؤسسه آلمانی درباره سازماندهی و مدیریت کار در کارخانه‌ها و صنایع انحصاری انجام داده بود نشان می‌داد آن کارخانه‌هایی که موفق به بهبود بارآوری خود شده‌اند، انگیزش و قدرت خلاقه کارگران مزدبگیر خود را پرورش داده که این امر موجب بهبود چشمگیر کیفیت تولید و ذخیره هزینه آنها شده است. اینها همه اما به قیمت افزایش فردگرایی، شهرت‌طلبی و جاه‌طلبی در میان کارگران و نیز تشدید استثمار و سرکوب مبارزات آنان بوده است.

یکی دیگر از موضوعاتی که در این بخش در رابطه با سرکوب شیوه‌های تفکر کارگران مورد بحث قرار گرفته، دولت در جامعه سرمایه‌داری و مرور برخی واقعیات تاریخی جامعه آلمان است. در اینجا آنچه از مفهوم مارکسیستی «دولت به عنوان ابزار طبقه حاکم»، فراتر می‌رود این است که در سرمایه‌داری انحصاری، یک تغییر در نقش دولت به وجود می‌آید.

«نماینده منافع سرمایه به طور کلی، به نماینده منشی سرمایه‌دار انحصاری تبدیل شد» (همان: 54). نویسندگان نشان می‌دهد بعد از سال‌های جنگ جهانی دوم و ظهور دولت‌های رفاه برای ایجاد احساس امنیت اجتماعی نسبی در میان توده‌ها، بار دیگر در سال‌های دهه 90 با بازگشت بحران‌های سرمایه‌داری، انحصارها خواستار تغییراتی در سیستم رفاه اجتماعی جامعه آلمانی شدند و با عباراتی همچون «نوسازی دولت رفاه» سعی در ایجاد فشار و محدودیت بیشتر بر روی اتحادیه‌های کارگری داشتند.

بخش دوم کتاب به آثار مخرب شیوه تفکر خرده‌بورژوازی بر جنبش طبقه کارگر اختصاص دارد. نویسندگان تلاش می‌کند تا علاوه بر مشخصه‌های عمومی آگاهی طبقاتی که لنین در سده بیستم برای طبقه کارگر برمی‌شمارد، اهمیت الزام‌های نوینی را که از بطن جامعه جدید (به ویژه در آلمان) برخاسته در آگاهی طبقاتی کارگران نشان دهد.

لنین تأکید داشت که منظور از آگاهی طبقاتی کارگران یعنی فهم آنان از اینکه منافع تمام کارگران در هر کشور معین یکسان است و همگی یک طبقه را تشکیل می‌دهند و نیز فهم اینکه کارگران باید تلاش کنند تا امور دولت را تحت نفوذ قرار دهند.

اشتغال انگل نشان می‌دهد با تغییرات جوامع در دوره‌های کنونی، کارگران باید به این درک نائل آیند که لایه کوچکی از میان طبقه سرمایه‌داران ظهور یافته که انحصارهای حاکم را تشکیل می‌دهند و بر وضعیت اقتصادی و سیاسی کل جامعه تأثیر چشمگیری می‌گذارند.

علاوه بر این، ساختار طبقاتی جوامع مدرن پس از جنگ جهانی دوم دگرگون شده، به نحوی که مرزهای میان طبقه کارگر و لایه‌های میانی مبهم شده و امکان دستکاری افکار و تغییر شیوه‌های تفکر را آسانتر کرده است.

در واقع از نظر نویسندگان، شیوه تفکر خرده‌بورژوازی یک وسیله ایده‌آل برای نفوذ ایدئولوژی سرمایه‌داری در میان کارگران است. «خرده‌بورژوازی به خصلت نوسانی لایه‌های میانی که گاهی به سوی شیوه تفکر بورژوازی تمایل می‌یابد و گاه جذب شیوه تفکر پرولتاریایی، گفته می‌شود» (همان: 153).

یک نمونه از این نوع شیوه تفکر، پیامد اصلاحاتی بود که در دهه شصت از طریق حکومت انحصارها در آلمان غربی پیگیری

می‌شد. در این نوع تفکر رفرمیستی، پیگیری مطالبات اتحادیه‌ای تنها از طریق سیاست چانه‌زنی و سیاست مطلوب همدستی طبقاتی که پیش‌تر درباره آن توضیح داده شد، امکان‌پذیر است.

بنابراین تفکر رفرمیستی فرصت تجربه مبارزه عملی و پرورش آگاهی طبقاتی را در میان کارگران اخته کرد. نویسنده تأثیر یک نوع دیگر از تفکر خرده بورژوازی به نام رویونیسم¹ را نیز بر جنبش کارگری شناسایی می‌کند.

بطور کلی، رویونیسم «نشاندن تحول تدریجی به جای انقلاب» است. در جامعه آلمانی این نوع تفکر از سوی حزب تجدیدنظرطلب کمونیست آلمانی با تبلیغاتی نظیر «اصلاحاتی که جامعه را دگرگون می‌سازد یا احتمال پس زدن مسالمت‌آمیز قدرت انحصارها با یاری یک دموکراسی ضدانحصاری، طبقه کارگر را از نقطه نظر ایدئولوژیک خلع سلاح کرد» (همان: 155).

این نوع تفکر با تبلیغ درباره احیای سرمایه‌داری در آلمان، طبقه کارگر را در رخوتی فرو برد که امکان چشم‌انداز انقلابی از آن رخت بریست. به نظر می‌رسد یکی از پیامدهای چنین تفکری، پیدایش دگماتیسم در حزب کمونیست آلمانی بود.

از این دیدگاه، مسئولیت تکامل جامعه دموکراتیک آلمان نه در دست توده‌ها و کارگران که از وظایف رهبران واجد شرایط حزبی بود. بنابراین تا زمانی که این دو تفکر خرده بورژوازی در میان کارگران و اقشار زحمتکش نفوذ داشته باشد بدان معناست که با دادن امتیازهای اجتماعی دست پایین، خلع سلاح ایدئولوژیک کارگران و رواج دگماتیسم حزبی، امکان شناخت و آگاهی برای آنان میسر نخواهد شد.

بخش سوم کتاب نیز به نقش حزب‌سازی و مبارزات کارگری بر مبنای شیوه تفکر پرولتاریایی در جامعه آلمان می‌پردازد. یکی از نکات اصلی این است که کارگران از طریق آگاهی طبقاتی خودبه‌خودی یعنی شیوه تفکری که خودبه‌خود در فرایند تولید به دست می‌آید، درباره تجربیاتشان در زمینه استثمار و شرایط کار تأمل می‌کنند.

اما از آنجا که در این مرحله، مطالبات کارگری از سطح مطالبات روزمره فراتر نمی‌رود و نیز امکان همزیستی تفکر کارگری و خرده‌بورژوازی بیشتر است، بحث آمیزش متقابل این آگاهی خودبه‌خود با نقش آموزشی احزاب اهمیت می‌یابد.

بنابراین همانطور که پیداست مسئله اصلی در این کتاب نشان دادن نقش تکامل شیوه تفکر کارگری در میان توده‌هایی است که به آنان توانایی کار عینی نابودی سرمایه‌داری را خواهد داد. با این همه شاید هیچ چیز بهتر از این جمله لنین رابطه میان اراده انقلابی و مبانی عینی آن را که مدنظر این کتاب است، نشان ندهد:

«سلطه سرمایه‌داری در حال نابودی است، نه به این علت که عده‌ای به شدت خواهان تسخیر قدرتند. تسخیر قدرت بی‌معناست. هیچ قدرتی نمی‌تواند سرمایه‌داری را نابود کند. اگر تاریخ شیره جان سرمایه‌داری را نکشد و به تحلیلش نبرد» (جنگ و انقلاب، لنین، به نقل از انگل: 340)

شقایق یوسفی/ قلمرو رفاه